

استراتژی ایران در برابر دولت دوم ترامپ

عبدالرضا فرجیراد

درخصوص بازگشت مجدد ترامپ به کاخ سفید و تاثیر پیروزی او بر تعاملات و روابط ایالات متحده با ایران و نیز در خصوص تغییر معادلات جدید خاورمیانه باید تحلیلی چند بعدی از این اثرگذاری ارائه داد. اولین گزاره با تکیه بر روحیات شخص ترامپ و سخنانی که او در این کارزار انتخاباتی طی چند ماه اخیر ایراد کرد، است. با در نظر گرفتن این مولفه می‌توان اینگونه ارزیابی کرد که روی کار آمدن مجدد دونالد ترامپ خیلی جای نگرانی ندارد، چرا که روحیات ترامپ نشان داده است که او به دنبال جنگ و درگیری نیست. در دور چهارساله اول این موضوع به اثبات رسید؛ حال چه در تعاملاتی که با رهبر کره شمالی داشت و نیز بعد از اشتباهاتی که در رابطه با خروج از برجام مرتکب شد. به گونه‌ای که او در مقطعی خواهان آغاز مذاکراتی جدید با ایران نیز شد. به اعتقاد من این قبیل موضع‌گیری‌های ترامپ نشان داد او تاجر و اهل معامله است و به دنبال صرف هزینه برای جنگ‌های نیابتی ایالات متحده نیست. دوم اینکه در سخنانی‌های انتخاباتی که ترامپ در فرآیند تبلیغاتی کمپین خود داشت به موضوع لغو تحریم‌های اعمالی علیه ایران اشاره کرده است. نمی‌توان گفت این ادعا اتفاقی بوده است و باید آن را به فال نیک گرفت. در شعارها و وعده‌های انتخاباتی دیگر او در طول چند ماه اخیر نیز این مساله را دائما تکرار می‌کرد که قصد درگیری با ایران را ندارد. لذا با لحاظ کردن گزاره‌های ذکر شده می‌توان پیامدهای مثبت پیروزی ترامپ را نیز در نظر گرفت. اما آنچه اهمیت دارد این است که عملکرد شخص ترامپ را سواي از حمایت همه‌جانبه کنگره‌ای با اکثریت جمهوری‌خواهان ندانیم. به عبارتی دیگر ترامپ تنها تصمیم‌گیرنده اصلی نخواهد بود. متغیرهای مهم ذکر شده را باید در ارائه هر تحلیلی در رابطه با عملکرد آتی دولت ترامپ لحاظ کرد. به اعتقاد من بخشی از عملکرد احتمالی ترامپ در قبال تهران به نوع بازی ایران و استراتژی جدید کشورمان در قبال دولت تازه ایالات متحده بستگی دارد. در دولت اول ترامپ ایران به دلیل سیاست‌های او

در قبال برجام و خروجش از این توافق و نیز ترور شهید سردار قاسم سلیمانی آماده رایزنی‌های جدیدی نبود.

این عدم آمادگی در شرایطی بود که ترامپ در همان بازه زمانی بازگشایی دربها برای مذاکره با ایران را از طریق واسطه‌هایی در دستور کار قرار داد، اما ایران آمادگی نداشت. حال باید دید که در دولت جدید با ریاست آقای پزشکیان که بر اصل تنش‌زدایی تاکید دارند آیا تهران همچنان سیاست پیشین خود در قبال دولت اول ترامپ را در پیش می‌گیرد یا با تغییر هدفمند تاکتیک‌های خود به دنبال رفع تحریم‌های اعمالی است. اگر ایران به دنبال گفت‌وگو با ترامپ باشد به اعتقاد من این توانایی و امکان در دولت جدید وجود دارد که به نتایجی منتج شود. در غیر این صورت تنشها افزایش خواهد یافت. از طرفی اگر دونالد ترامپ به این نتیجه برسد که ایران آمادگی از سرگیری مذاکرات را ندارد مجدداً به سیاست تشدید تحریم‌ها بازخواهد گشت؛ همان‌گونه که در چهار سال دولت اول خود علیه فروش نفت ایران تحریم‌هایی را اعمال کرد. به نظر می‌رسد طی بازه زمانی دوماهه‌ای که دولت جدید ایالات متحده رسماً کار خود را آغاز می‌کند، دونالد ترامپ احتمالاً پیام‌هایی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم نه تنها برای ایران بلکه برای سایر کشورها از جمله روسیه ارسال خواهد کرد. در این فاصله یعنی از زمان پیروزی رییس‌جمهور جدید تا زمان ورود رسمی به کاخ سفید ترامپ فرصتی برای آزمون و خطا خواهد داشت. تصور می‌کنم او در این زمینه ایران را محک خواهد زد تا از آمادگی یا عدم آمادگی تهران برای شروع فصل جدیدی از گفت‌وگوها اطمینان حاصل کند. اگر این آمادگی وجود داشته باشد به محض ورود به کاخ سفید پالسرهای مثبتی را برای تهران خواهد فرستاد و در این شرایط نیز می‌توان طی زمانی کوتاه‌تر با او به نتیجه رسید. اما اگر تا قبل از اول ژانویه به این نتیجه برسد که ایران آمادگی رایزنی را ندارد با آغاز رسمی دولت خود احتمال دارد به دنبال تشدید تنشها در قبال ایران باشد. دو ماه پیش رو تا ورود رسمی ترامپ به کاخ سفید بسیار حیاتی است بدین منظور که جمهوری اسلامی ایران می‌بایست پلن خود را برای تعامل با دولت جدید امریکا اعلام کند. این متغیر نیز در شرایط ملتهب کنونی خاورمیانه صادق است. البته که این موضوع به تحولات خاورمیانه و مقوله برقراری احتمالی آتش‌بس در لبنان و غزه منوط است. آنطور که ادعا شده ترامپ در دیداری که با نتانیاهو داشته خطاب به نخست‌وزیر این رژیم گفته است تا قبل از ورود به کاخ سفید جنگ را به پایان برساند. به اعتقاد من ترامپ نیز احتمالاً این قول را به مسلمانان امریکایی و به ویژه عرب‌تباران امریکایی داده

است که در صورت پیروزی جنگ در منطقه را به پایان خواهد رساند. تجربه 4 ساله دولت اول ترامپ نشان داده او به اکثر وعده‌های خود عمل خواهد کرد. حال نیز او وعده‌هایی در راستای پایان جنگ در غزه و لبنان به شهروندان خود داده است و احتمال اینکه به این وعده‌ها در دولت دوم خود نیز عمل کند بالا است. من تصور می‌کنم تصمیم‌گیران ایرانی باید از همان آغاز انتشار خبر پیروزی ترامپ يك استراتژی معینی را در رابطه با دولت جدید ایالات متحده به ریاست ترامپ داشته باشند. گفتنی است که اولویت اول ایران برقراری آتشبس در غزه و لبنان است. بنابراین به اعتقاد من این امکان وجود دارد با این هدف که به درگیری‌ها در غزه و لبنان پایان دهیم رایزنی‌ها با ترامپ را آغاز کنیم. این احتمال وجود دارد ایران در این بازه زمانی بهتر بتواند زمینه را برای رایزنی در خصوص مسائل منطقه هموار کند. چرا که بایدن به دلیل انتخابات و با این هدف که آرای لابی یهودیان را از دست ندهد در معذوراتی قرار داشت؛ البته که او در این مورد مرتکب خطای محاسباتی شد. اساسا یکی از دلایل پیروزی ترامپ شخص بایدن و عملکرد ضعیف او در قبال تحولات خاورمیانه بود. بایدن رای مسلمانان و اعراب امریکا را از دست داد. البته که با تمامی این تفاسیر این گزاره قوی به نظر می‌رسد که به فرض برقراری آتشبس از طریق گفتوگو با ترامپ ممکن است او در ادامه سیاست‌هایی را دنبال کند که به منافع متحد دیرین خود یعنی نتانیاهو خدش‌های وارد نشود. بدین منظور او احتمالا مسائل شهرک‌نشینان اسرائیلی کرانه باختری در باب مسائل مهاجرت اجباری که طی يك سال اخیر داشته‌اند را رفع خواهد کرد و همچنین با تاکید بر بیت‌المقدس به عنوان پایتخت سرزمین‌های اشغالی نیز طرح دو دولتی را نیز مجددا مطرح خواهد کرد.

استاد ژئوپلیتیک